یادداشت

مدیریت علمی و آمایش سرزمین کلید نجات جنگل‌های غرب گیلان

بهروز کرمدوست
معاون فنی تولید شرکت سهامی جنگل شفارود

جنگل‌های تالش با مساحتی بیش از یک سوم ۵۶۵ هزار هکتاری جنگل‌های گیلان، با استناد به مدارک موجود و مستدل، کهن‌ترین جنگل‌های دنیا هستند و بیش از ۶۰ میلیون سال از عمر آنها می گذرد. البته کهنسال‌ترین جنگل دنیا بودن، تنها ویژگی منحصر به فرد جنگل‌های تالش نیست، بلکه این جنگل‌ها در نوع خود بی‌بدیل بوده و نظیر آن را در هیچ جای جهان نمی توان یافت. متخصصان زمین شناسی نوار جنگلی جنوب دریای خزر را که بر دامنه‌های رشته کوه البرز کشیده شده است، محصول لطف طبیعت به مردم ایران می دانند. معمولا کشورهایی که در عرض جغرافیایی ۴۵-۱۵ درجه قرار دارند، جزو کشورهای خشک و بیابانی اند. ایران، امارات متحده عربی و عربستان نمونه بارز این مساله هستند. دریای خزر و همچنین رشته کوه‌های البرز، منطقه تالش را دارای چنین تنوع منحصر به فرد آب و هوایی در جهان کرده است و نوار جنگلی تالش هم یکی از این مناطق بی نظیر دنیاست. بنابر گزارش سازمان‌های بین‌المللی، میزان بارندگی در این منطقه ۲۰۰۰ میلیمتر در سال است و همین موضوع موجب رشد و رونق جنگل‌های هیرکانی شده است. جنگل‌هایی که می تواند نقطه اتکای توریسم و اکوتوریسم باشد اما نیست. این جنگل‌ها مخصوصا جنگل‌های طبیعی و بکری چون راشستان اسالم که شهرت جهانی دارد در مجاورت دریای خزر یکی از بی‌نظیرترین نقاط دیدنی و تفریحی دنیا را به وجود آورده است با این همه ما همچنان با بی اعتنایی به این نعمت خدادادی در فکر منفعت‌های کوتاه مدت خود هستیم. بیش از ده درصد چوب مورد نیاز کشور از جنگل‌های تالش تامین می شود و در سال قبل از این جنگل‌ها بیش از ۵۰ هزار متر مکعب چوب، برداشت مجاز به مصرف داخلی رسیده است. افزون بر تامین نیازهای چوبی کشور، یکی از پر جاذبه‌ترین نقاط اکوتوریستی دنیا، جنگل‌های تالش می‌باشد. این جنگل‌ها علاوه بر فراهم آوردن چشم انداز و مناظر بدیع و بی نظیر جهانی برای گردشگران دارای تنوع زیست محیطی قابل توجهی هستند. برخی از آمارهای کارشناسان حاکی است که در ۴۰ سال گذشته بیش از ۲۲ درصد از جنگل‌های تالش از بین رفته و تبدیل به زمین‌های زراعی، چراگاه و یا مناطق مسکونی شده است. با این همه کارشناسان برای این نقطه متفق القول هستند که علت اصلی از بین رفتن ۲۲ درصد جنگل‌های تالش در ۴۰ سال گذشته توسعه نیافتگی اقتصاد منطقه بوده است. به خاطر این که در این مدت امکانات اقتصادی منطقه به تناسب افزایش ناگهانی جمعیت آن توسعه نیافته است. این امر موجب افزایش بیکاری و روی آوردن جمعیت به جنگل شده است و با گذشت زمان جنگل‌ها توسط دامداران، جنگل نشینان و قاچاقچیان چوب و ... تخریب شده‌اند. رشد کند اقتصادی موجب محدودیت در معیشت، تولید محصولات و افزایش تقاضا برای تبدیل اراضی جنگلی، مرتعی و در نتیجه کاربری ناپایدار اراضی می‌شود. جنگل زدایی و مرتع زدایی در مناطقی اتفاق می‌افتد که تقاضا برای انرژی و اراضی کشاورزی بالاست که این روند موجب بروز اختلالات نظیر کاهش بازدهی اراضی، تغییر اقلیم و نابودی جبران ناپذیر تنوع زیستی می‌شود از طرفی خشکسالی و بحران آب در جهان و خاورمیانه نگران کننده و تهدیدی جدی ضد جنگل‌های کشور است به طوری که کارشناسان منابع طبیعی و دیپلماسی اعتقاد دارند که جنگ آینده برای آب خواهد بود، بحران آب به شدت امنیت غذایی و اکولوژیک منطقه را تهدید می کند. منطقه ما نیز در مرحله تنش مزمن کم آبی بوده و از این قاعده مستثنی نیست. در نتیجه بدون داشتن برنامه‌ای که ظرفیت‌های منطقه را سهمیه بندی و محور فعالیتهای اقتصادی در هر منطقه را مشخص سازد، نمی توان امیدوار به حفظ منابع جنگلی بی نظیر تالش بود این نظریه و تفکری است که اکثر کارشناسان منابع طبیعی به آن اعتقاد راسخ دارند. اما آیا در عالم واقع چنین اتفاقی ممکن است رخ بدهد؟ به نظر می رسد تنها راه نجات جنگل‌های تالش ایجاد صنعت اکوتوریسم باشد اما صنعتی که مبنای تاسیس و توسعه آن برنامه ریزی طرح آمایش سرزمین (land use) و استفاده از تمام استعدادهای حوزه آبخیز جنگلی با هدف کاهش برداشت‌های غیر مجاز از جنگل‌ها و ایجاد اشتغال ساز گار با طبیعت، نظیر برنامه‌ریزی روی فعالیت‌های اکوتوریسم صنایع جانبی چوبی، زنبور داری، پرورش آبزیان، پرورش قارچ، طرح‌های مرتع‌داری، جنگل بکر، جنگل تجاری با توجه به ارزش‌یابی و قابلیت هر منطقه باشد. شایان ذکر است با توجه به نقش جنگل‌های تالش در حفاظت آب و خاک، تنوع زیستی و لزوم توجه جدی به این منابع در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای، لازم است طرح مذکور در قالب برنامه ششم توسعه کشور برای این منطقه با تاکید بر اولویت حفاظت و توسعه جنگل‌ها به اجرا در آید. با گسترش صنایع متناسب با موقعیت منطقه، تعداد کثیری از جوانان بیکار از جنگل به صنعت روی می آورند و دیگر نیازی به از بین بردن جنگل‌ها برای توسعه مراتع و باغ‌ها نیست. ضمن این که بسیاری از قاچاقچیان چوب از سر ناچاری و نداری تن به این کار می دهند. در نتیجه می توان با برنامه‌ریزی صحیح و از طریق گسترش و رونق صنعت اکوتوریسم به عنوان صنعتی پاک، غیر آلاینده و سازگار با محیط زیست در آمدی صدها برابر بیشتر از آن چه متصور است از این جنگل‌ها به دست آورد. لازم به ذکر است در دهه‌های اخیر صنعت اکوتوریسم در جهان از لحاظ در آمد از رتبه دهم به رتبه سوم بعد از صنعت خودروسازی و نفت ارتقاء پیدا کرده است. به دلیل عظمت و ارزنده بودن جنگل‌های تالش تهیه طرح جامع برای توسعه صنعت گردشگری و سرمایه گذاری بدون ایجاد اختلال و آسیب به سواحل و جنگل‌ها ضروری بوده بیشتر به این دلیل که ایران سالیانه میلیون‌ها گردشگر به کشورهای مختلف اعزام می کند، بی آن که حتی یک دهم از این تعداد سفر از سوی آن‌ها به ایران صورت پذیرد. از این رو محور قرار دادن اکوتوریسم و آمایش سرزمین در تالش، گذشته از آن که چندان با تنگناهای سیاسی و اجتماعی مواجه نیست اصولا انطباق بیشتری با جاذبه‌های توریستی و اکولوژیک تالش دارد که در صورت برنامه‌ریزی مدون با مدیریت علمی و رهیافت همه سونگر (holestic approach) می توان هر سال از این طریق در آمد قابل توجهی را نصیب منطقه کرد، به طوری که در نهایت باعث توسعه پایدار متوازن و همه جانبه منطقه، حفاظت جنگل‌ها، اشتغال، دلگرمی و امید، محرومیت زدایی و توزیع عادلانه ثروت در بین حاشیه‌نشینان جنگل و افراد محلی خواهد شد.

ادامه یادداشت

وحدت، کلید استمرار انقلاب

۲- به عنوان فردی روستایی که از دل فضای روستا آمده‌ام و به عنوان خدمتگزار مردم در عرصه‌هایی نظیر شهرداری و فرمانداری و نمایندگی مردم شهر رشت در مجلس شورای اسلامی در متن حیات و رشد انقلاب حضور داشته‌ام، خاطرات زیادی در ذهن دارم. از جمله وقتی قرار بود امام (ره) به کشور باز گردند و ما به تهران رفتیم و متعاقب آن در سخنرانی ایشان در بهشت زهرا حضور داشتیم و هر گز سخنرانی شهید بزرگوار بهشتی را فراموش نمی کنم که می گفت حتی اگر ما روحانیون را گرفتند، شما وحدت خود را حفظ کنید و نهضت را ادامه دهید و یا خاطراتی نظیر تسلیم ساواک در رشت به دست جوانان.

این نوع خاطرات بسیار است اما متاسفانه خاطرات مبارزات در روستاهای استان ما به‌ویژه زادگاه اینجانب، روستای نرگستان صومعه‌سرا در طول این سال‌ها مغفول مانده است. مردم روستای ما حتی پیش از شهریور سال ۱۳۵۷ به دلیل حضور روحانیون بزرگی که از قم می آمدند و آگاهی و آموزش مردم را بر عهده می گرفتند شاید به نوعی اولین روستا در منطقه بود که علمدار مخالفت با رژیم شاه شدند. در یادواره شهدای هفدهم شهریور، مردم روستا تمام مغازه‌هایشان را تعطیل کردند و در مسجد عزاداری کردند خاطرم هست وقتی در حال سخنرانی بودم ماشین‌های ژاندارمری آمدند و مسجد را محاصره کردند. همچنین سخنرانی‌های متعدد، راهپیمایی‌های مردمی از نرگستان تا صومعه‌سرا، تسخیر پاسگاه لاکسار قبل از پیروزی انقلاب از جمله این مبارزات است. اولین مجروحین انقلاب در گیلان در همین روستای نرگستان بود به خاطر دارم که ما به واسطه خفقان و مساعد نبودن وضع، حتی نمی‌دانستیم مجروحین را باید برای درمان به کجا ببریم. بسیاری از جوانان فعال آن روزها بعدا شهید یا جانباز شدند و برخی هم جذب سپاه پاسداران شدند. در واقع روستاهایی نظیر نرگستان، طاهرگوراب، کسما از جمله روستاهایی بودند که واقعا برای انقلاب سنگ تمام گذاشتند و شایسته است امروز هم مورد رسیدگی و توجه بیشتری قرار بگیرند تا ادای دینی شایسته به ایثار و فداکاری‌های آنان شود.

پتانسیل آستارا در روابط تهران-باکو

دالغا خاتین اوغلو*

شهر مرزی آستارا میان ایران و جمهوری آذربایجان موقعیت بسیار مناسبی در راستای افزایش همکاری‌های تجاری-اقتصادی میان دو کشور دارد. حداقل دو پروژه عظیم بین‌المللی از همین منطقه در حال اجرا شدن است، فیبر نوری اپگ و خط آهن کریدور شمال-جنوب. فعلا فیبر نوری اپگ که از آلمان تا خلیج فارس کشیده شده است، بصورت زودهنگام راه اندازی شده و در حال تکمیل است، اما خط آهن کریدور شمال-جنوب در شرق دریای خزر تقریبا تکمیل شده و در غرب آن هنوز با اما و اگرهایی مواجه است. در صورت تکمیل دو پروژه یاد شده، احتمالا چهره اقتصادی-سیاسی منطقه به کلی عوض خواهد شد و پتانسیل بسیار بالایی برای همکاری‌های کشورهای ساحلی خزر تا آسیای شرقی ایجاد خواهد شد.

■ خط لوله گازی آستارا

ایران و آذربایجان بیش از همه‌چیز به‌عنوان دارنده منابع عظیم نفت و گاز و تجربه اکتشاف، تولید و صادرات آن، در این حوزه می‌توانند همکاری‌های دوجانبه داشته باشند. مقامات شرکت ملی نفت ایران ماه اکتبر سفری به ایران داشتند و در حوزه اکتشاف دریای خزر تفاهمنامه‌ای امضا کردند.

بیژن نامدار زنگنه ۲۲ آبان سال جاری در ترکیب هیاتی بلندپایه به رهبری حسن روحانی رییس جمهوری ایران وارد باکو شد و طی دیداری که با وی داشتیم، بر چند موضوع تکیه داشت که یکی از آنها موضوع ذخیره گاز ایران در جمهوری آذربایجان است.

ایران هم اکنون دو مخزن ذخیره سازی طبیعی گاز دارد که سال جاری دو میلیارد متر مکعب به آنها (شوریجه و سراجه) گاز تزریق کرد و در پاییز و زمستان که با کمبود گاز مواجه است، برداشت از این مخازن را آغاز نمود. اما آذربایجان دو مخزن بزرگ ذخیره گاز دارد که پتانسیل ذخیره سازی گاز حدود ۵ میلیارد متر مکعب است که چهل درصد آن بدون مصرف باقی مانده است.

هم اکنون ایران و آذربایجان از طریق خط لوله گازی آستارا روزانه ۱,۲ میلیون متر مکعب عملیات سوآپ (معاوضه) گاز انجام می دهند و از همین خط لوله با تغییرات اندکی می توان گاز ایران را در تابستان به مخازن مخزن قره‌باغ و مخزن قالماز آذربایجان منتقل و ذخیره سازی کرد و در فصول سرد سال، دوباره برداشت و از طریق خط لوله آستارا به ایران منتقل کرد.

البته از طریق همین مسیر می توان با سرمایه گذاری اندک و کشیدن خط لوله موازی و راه‌اندازی کمپروسورهایی، گاز مازاد ایران را در آینده تحویل گرفت و همراه با گاز میدان شاه دنیز آذربایجان به اروپا صادر کرد. البته در شرایط تحریم، این موضوع ممکن نخواهد بود.

خود ایران در توسعه میدان گازی شاه‌دنیز آذربایجان یک دهه است که مشارکت دارد. این میدان دارای بیش از یک تریلیون مترمکعب گاز قابل استخراج است که هم‌اکنون از فاز اول آن روزانه ۲۷ میلیون مترمکعب گاز و ۵۰ هزار بشکه میعانات گازی استخراج می‌شود. ایران سهمی ۱۰ درصدی در این پروژه دارد، یعنی با توجه به اینکه نوع قرارداد «مشارکت در تولید» است، ۱۰ درصد از کل ذخایر این میدان در مالکیت ایران است. فاز دوم این میدان نیز انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری کامل برسد و سالانه ۱۶ میلیارد مترمکعب گاز تولید کند. با این حساب از فاز اول و دوم شاه‌دنیز سالانه ۲۵ میلیارد مترمکعب گاز تولید خواهد شد. قرار است کل گاز تولیدی از فاز دوم این میدان به ترکیه و اروپا صادر شود. برای همین منظور یک خط لوله از آذربایجان به گرجستان (کریدور جنوبی)، یک خط لوله از گرجستان به مرزهای غربی ترکیه (خط لوله ترانس آناتولین) و یک خط لوله از ترکیه به اروپا (خط لوله ترانس آذریاتیک) در نظر گرفته شده است.

■ پروژه اپگ

کابل فیبر نوری پروژه مخابرات دیتا و اینترنت «اپگ» از فرانکفورت آلمان تا جمهوری آذربایجان و ایران و عمان گسترش یافته است، قرار است به هند و کشورهای آسیای شرقی متصل شود.

شبکه فیبر نوری انتقال داده اپگ (EPEG) از آلمان تا لهستان و اوکراین و آذربایجان امتداد یافته و از طریق ایران به خلیج فارس و عمان متصل می شود. بخشهایی این پروژه در سال ۲۰۱۲ به بهره برداری رسید.

طول این فیبرنوری ۱۰ هزار کیلومتر است که حدود یک سوم آن از خاک ایران می گذرد.

این پروژه آلترناتیوی برای کابل نوری کانال سوئز است که تا عربستان و آسیای شرقی کشیده شده است.

حدود یک سوم مسیر اپگ، بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر، از خاک ایران می گذرد و ظرفیت این پروژه ۳۲۰۰ گیگابیت بر ثانیه هست که قرار است تا پایان سال ۱۳۹۴ تکمیل شود.

ایران هم اکنون ظرفیت حدود ۲۰۰ گیگابیت بر ثانیه این پروژه را بهره برداری می کند و قرار است تا پایان ۱۳۹۳ این رقم به ۵۰۰ گیگابیت بر ثانیه افزایش یابد.

پروژه اپگ می تواند به امتداد فیبر نوری که از کانال سوئز می گذرد «اِی آی جی» (Europe India Gateway) متصل شود، وبدین ترتیب، عملا ارتباط اینترنتی ایران با هند و آسیای شرقی برقرار خواهد شد که می تواند در آمد هنگفتی برای ایران و دیگر کشورهای مسیر ترانزیت دیتا ایجاد کند.

پروژه ای آی جی به طول ۱۵ هزار کیلومتر فیبرنوری زیردریایی است که بریتانیا را به برخی کشورهای اروپایی و از آنجا به لیبی، مصر، عربستان، امارات، عمان و هند متصل می کند. خود ایران می خواهد از ۱۰ درصد ظرفیت اپگ استفاده کند.

■ پروژه کریدور شمال-جنوب

موضوع دیگر، پروژه خط آهن شمال جنوب است که بخش شرقی آن (شرق دریای خزر) ماه گذشته افتتاح شد و کشورهای قزاقستان، ترکمنستان را به ایران متصل کرد. بخش جنوب دریای خزر این پروژه که اراضی ایران هست، بصورت نصف و نیمه ساخته شده و قرار است به خط آهن آستارا در مرزهای ایران و آذربایجان متصل شود. راه آهن آستارا در بخش جمهوری آذربایجان تنها با ساخت هشت کیلومتر راه آهن تکمیل خواهد شد و در صورتی که این پروژه راه اندازی شود، عملا دور تا دور دریای خزر از طریق خط آهن به همدیگر متصل خواهد شد و از طرفی کشورهای ساحلی خزر از طریق شبکه خط آهن ایران به خلیج فارس متصل خواهند شد.

از طریق خط آهن بخش غربی خزر، سالانه می تواند ۱۰ میلیون تن کالا و سه میلیون نفر مسافر را جابجا کرد و بخش شرقی نیز به همین میزان و حتی بیشتر پتانسیل فعالیت دارد.

***تحلیل گر حوزه انرژی و مدیر اخبار ایران در بخش انگلیسی خبرگزاری ترند جمهوری آذربایجان**

گفت‌وگو با مهندس فیض‌الله حسینی، مدیرعامل شرکت جنگل شفارود:

سال ۹۴، سال شکوفایی و اشتغال‌زایی شفارود است

در سال ۱۳۵۲ به منظور تاسیس صنعت چوب و کاغذ در کشور شرکت صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) شامل دو بخش جنگل و صنعت در استان گیلان تاسیس شد و در سال ۱۳۶۵ بخش جنگل از صنعت منفک و تحت عنوان شرکت سهامی جنگل شفارود آغاز به فعالیت کرد. شرکت سهامی جنگل شفارود را می‌توان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین بنگاه‌های بزرگ اقتصادی منطقه نام برد که روزگاری تاثیر بسیاری در پویایی اقتصاد و اشتغال استان به خصوص شهرستان‌های غرب گیلان ایفا می‌نمود اما این جایگاه در گذر زمان بر اثر بی‌تدبیری و مدیریت نادرست تضعیف شد و زمزمه‌های ورشکستگی و خاموشی همیشگی آن حتی مردم منطقه را هم نگران کرده بود. این شرکت در طول عمر خود دوران متفاوتی به خود دیده است. جدایی از چوکا تا واگذاری بابت بدهی‌های دولت به شرکت‌های زیر مجموعه سازمان تامین اجتماعی و در نهایت واگذاری آن به سازمان اتکا. بعد از تغییرات ایجاد شده در کارخانه چوکا موضوع واگذاری مجدد شفارود به چوکا از سر گرفته شد. این در حالی است که در اردیبهشت ۱۳۹۲ مراحل قانونی واگذاری شرکت شفارود در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به موجب مصوبه هیات دولت به سازمان اتکا انجام و به اتمام رسیده است. فیض‌الله حسینی از مدیران شناخته شده و با سابقه استان در ۲۱ بهمن ۱۳۹۲ طی حکمی از سوی معاون وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به سمت مدیر عاملی شرکت شفارود انتخاب شد. او در حالی شرکت را با ۶ میلیارد تومان بدهی و زیان مالی تحویل گرفت که کمتر کسی به بقای شرکت امید داشت. در گفت‌وگو با مهندس فیض‌الله حسینی مدیر عامل شرکت شفارود به مشکلات پیش روی مهمترین حافظ عرصه های جنگلی در گیلان و همچنین عملکرد ایشان در یک سال گذشته پرداختیم:

■ شما حدود شش ماه قبل اعلام کردید که آینده شرکت شفارود در وضعیت هشدار قرار دارد. دلیل این هشدار چه بود؟

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ مصوبه‌ای از سوی دولت محترم تحت عنوان برنامه پایش، حفظ، بهره برداری و مدیریت جنگل‌ها با امضا معاون اول محترم ریاست جمهور جناب آقای جهانگیری به دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های مرتبط ابلاغ شد و به موجب ماده ششم آن، بهره برداری از جنگل در درختان ریشه کن، شکسته، افتاده و عملیات پرورشی خلاصه شد. در تبصره یک، ماده دو این مصوبه به صراحت ذکر شده بود که وزارت جهاد کشاورزی موظف است به اتفاق سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگل‌ها و سازمان منابع طبیعی و همچنین معاونت شورای راهبردی ریاست جمهوری ظرف یک سال، کار گروهی تشکیل دهند تا راهکارهای اجرایی این مصوبه، توسط کارشناسان علم جنگل بررسی شود. در هر صورت این مصوبه بدون رعایت تبصره یک ماده دو توسط دستگاه‌های اجرایی عملیاتی شد و شرکت شفارود نیز به این سبب از بهره برداری منع شد. طبق مستندات ما تصدی شرکتی را در ۲۱ بهمن ۱۳۹۲ بر عهده گرفتیم که با ۶ میلیارد زیان و بدهی کاملا تک محصولی و خام فروش بود و همچنین مجوز برداشت آن نیز در سال ۹۳ نسبت به ۸ سال گذشته از میانگین خود یعنی بیش از ۱۰۰ هزار متر مکعب به کمتر از ۳۰ هزار متر مکعب کاهش یافته بود. قطعا این‌ها نشانه‌های آشکاری برای اعلام وضعیت هشدار و ورشکستگی بود و شک نکنید اگر عزم جدی و پیگیری‌های مجموعه شفارود نبود این مجموعه عظیم و تاثیر گذار بر معشیت مردم تا پایان سال ۹۳ بنا بر استناداتی که مطرح شد به ورشکستگی می‌رسید. از این رو از طریق رسانه‌ها از جمله همین روزنامه فرهیختگان گیلان اعلام کردیم تا افکار عمومی به گوش باشند و حساس شوند.

■ تاکنون چه اقداماتی از سوی مدیریت شرکت در خصوص شکستن منع بهره برداری و عبور از بحران مورد اشاره صورت گرفته است؟

همان‌طور که پیشتر اشاره شد اساس این طرح مطابق با دغدغه‌های اجتناب ناپذیر جنگل تدوین شده بود اما متاسفانه در خروجی آن برخی از نیازها و ضرورت‌های جنگل نادیده گرفته شد و شرکت‌هایی همانند شفارود متضرر شدند. در طول یک سالی که مسوولیت بر عهده ما بود توانستیم نشست‌های تخصصی بسیاری با مسوولان استان و کارشناسان عالی رتبه جنگل بر گزار کنیم. جملگی این عزیزان اذعان داشتند که طرح مصوب دولت با اشکالاتی مواجه است و حتی طی مکاتبه‌ای که با دکتر نوبخت، توسط مشاور ایشان در امور کشاورزی و منابع طبیعی جناب مهندس شجاع داشتیم، چنین عنوان شد اگر قرار بود مصوبه دولت برای سال ۱۳۹۳ اجرا شود، حدود ۱۲۰ میلیارد تومان به عنوان حق حفظ وصیانت از جنگل برای شرکت‌های بهره بردار همچون شفارود لحاظ می شد در حالی که تاکنون چنین اعتباری منظور نشده است. بنابراین اجرای این مصوبه در سال جاری محمل قانونی ندارد. طبق پیش‌بینی‌ها و نظر کارشناسان همان‌طور که در مواد این مصوبه نیز مطرح شده است، امیدواریم در فرصت تجدیدنظر یک ساله، موانع توسط دولت برطرف شود.

همچنین علاوه بر موضوعات مطرح شده، عدم پایبندی شفارود به تعهدات خود در ادوار گذشته نیز به معضلی بزرگ برای شرکت تبدیل شده بود که عبور از آن کار آسانی نبود. متاسفانه تمام این فشارها بعد از غفلتی ۸ ساله بر شرکت وارد شد. ما در این مدت کوتاه توانستیم توسط کارشناسان مجرب شرکت به قسمت عمده‌ای از تعهدات باقی مانده از مدیریت‌های قبلی پاسخ دهیم و برای تکمیل و جبران تعهداتمان حدود سه سال فرصت گرفتیم. در کنار این مذاکرات و حسن عمل‌ها بود که ما توانستیم مجوز برداشت درختان دیر زیست، افتاده و آفت زده را دریافت کنیم و شرکت را از بحران عبور دهیم. ما در جنگل‌های حوزه شفارود درختان جلگه‌ای بسیاری داریم که ۱۰ الی ۱۵ سال از عمر مفید آن‌ها گذشته است و برای طبیعت نه تنها مفید بلکه مضر نیز هستند اما طبق مصوبه دولت و فشار ناشی از عدم انجام تعهدات سابق، سازمان منابع طبیعی از صدور پروانه برداشت خودداری کند.

■ اخیرا شایعه شده که شرکت شفارود تعدیل نیرو داشته است؟ صحت دارد؟

شرکت شفارود به مفهوم این که عذر کسی را خواسته باشد، به هیچ وجه تعدیل نیرو نداشته اما همکارانی بودند که به سن بازنشستگی رسیدند و علی‌رغم اینکه از آنها درخواست ادامه همکاری شد خود را بازنشسته کردند که هنوز با توجه به وضعیت شرکت جایگزین برای آنها در نظر گرفته نشده است. سیاست ما در سال ۹۳ خروج شرکت از وضعیت بحران بود که شکر خدا با همت مجموعه موفق شدیم شرکت را از زیان‌دهی خارج و به تراز مالی مثبت برسانیم. از همین جا به مردم خوب منطقه اعلام می کنیم سال ۹۴ با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و افتتاح پروژه‌های مدنظر، سال شکوفایی و اشتغال زایی شرکت شفارود خواهد بود و امیدواریم با همراهی مردم و مسوولین به این مهم دست یابیم و سهم کوچکی در افزایش سطح اشتغال در منطقه داشته باشیم.

■ برنامه مدیریت بعد از خروج از بحران و همچنین توسعه شرکت چیست؟

اصلی‌ترین برنامه ما برای گذر از شرایط موجود و رسیدن به توسعه شرکت جلوگیری از خام فروشی به واسطه ایجاد صنایع تبدیلی است. ما خام فروشی را یک ظلم به منطقه می‌دانیم و قطعا به یاری خداوند شرکت را از این وضع خارج خواهیم کرد.

هم اکنون طی دوره کوتاه یک ساله چهار طرح شرکت در راستای خروج از خام فروشی مفرط با هدف اشتغال‌زایی و توسعه شرکت برای اولین بار در سال‌های اخیر در سازمان اتکا مورد موافقت و تصویب قرار گرفت و در ماه‌های اخیر توانستیم با ارائه طرح‌های توجیهی به لطف الهی و مسوولان سازمان اتکا برای دو طرح از چهار طرح خود اعتباری بالغ بر سه میلیارد و سیصد میلیون تومان دریافت کنیم. آقایان این را بدانند سازمان اتکا در حالی به عنوان یک سازمان بزرگ اقتصادی برای توسعه شفارود سرمایه گذاری می کند که اگر ما میخواستیم در شرایط فعلی کشور از بانک‌ها تسهیلات بگیریم باید ماه‌ها و سال‌ها انتظار می کشیدیم. در ادامه نیز پروژه‌های مختلفی را در دستور کار خواهیم داشت. در اینده قصد داریم با هدف کاهش فشار بر جنگل، با توجه به زیر ساخت‌های موجود در شفارود و منابع انسانی غنی در منطقه صنایع تبدیلی را رونق دهیم تا از خام فروشی خارج شویم. دو طرح بهره برداری از ماشین آلات اره رام و همچنین بهره برداری از خط تولید آب معدنی در ارتفاعات ییلاق اَرده از جمله این طرح هاست که تا ماه‌های آتی به افتتاح خواهد رسید.

قصد داریم بعد از افتتاح خط تولید آب معدنی از تمام ظرفیت چشمه‌های آب معدنی در حوزه جنگل شفارود همچنین در تمام زمینه‌های کشاورزی و باغداری و دامپروری از جمله پرورش گل و گیاهان دارویی و زینتی و پرورش ماهیان سرد آبی، دامپروری مدرن بدون آسیب به جنگل و ده‌ها طرح دیگر استفاده کنیم که یقینا می تواند اقتصاد منطقه را به پویایی برساند. معتقدم شرکت شفارود گنج پنهانی است که برای بسیاری از مسوولین کشور، استان و حتی منطقه ناآشنا مانده است. این شرکت را می‌توان به نقطه امید منطقه برای رفع بیکاری تبدیل کرد.

■ شرکت شفارود هم اکنون با ۲۵ درصد توان و ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کند و این یعنی هدر رفت سرمایه و فرصتی عظیم که به یاری خداوند و کمک مسوولان شهرستان، استان و کشور حل خواهد شد.

لازمه این کار بزرگ این است که مسوولان به مجموعه مدیریتی شفارود اعتماد و اطمینان داشته باشند تا با یاری هم به معضلات این شرکت بزرگ و با سابقه کشور پایان دهیم.

■ اخیرا بحث هایی در خصوص واگذاری مجدد شفارود به چوکا و یا بخش خصوصی مطرح شده است. این تصمیم شفارود به چوکا توجیه دارد؟

بنا بر درخواست مدیر عامل محترم جدید چوکا و پیگیری‌های نماینده محترم شهرستان، موضوع واگذاری شرکت شفارود با هدف تامین مایحتاج اولیه چوکا مطرح شد. این در حالی است که فرایند واگذاری شرکت شفارود به سازمان اتکا به تازگی به اتمام رسیده است. علاوه بر آن چوکا با هدف تامین ۴۰۰ هزار تن چوب از محل جنگل‌های شفارود، درخواست واگذاری را مطرح نموده است. مسوولان باید بدانند چنین مجوز برداشتی در شرایط کنونی عملی نیست و در حالی که در سال ۱۳۹۲ تنها ۲۵ هزار متر مکعب مجوز برداشت به شفارود داده شده است و اکنون ما بعد از نشست‌های متعدد در سطوح مختلف حداکثر توانسته‌ایم در حدود ۴۰ هزار متر مکعب مجوز برداشت دریافت کنیم با این شرایط به فرض واگذاری شفارود هم نیاز چوکا برآورده نخواهد شد. در طول تاریخ شفارود و در اوج شکوفایی درختان در دهه‌های قبل مجوز و ظرفیت برداشت، حداکثر تا سقف ۲۰۰ هزار متر مکعب بوده است تا چه برسد حالا که با هزاران مشکل چنین برداشتی غیر قابل تصور است. ما مطیع قانون هستیم اما اعتقاد داریم چنین بحث‌هایی به مشکلات چوکا و شفارود خواهد افزود. لازمه تامین نیاز چوکا و کسب مجوز برداشت قانونی، مذاکرات و رایزنی‌هایی در سطوح بالا از جمله وزیر محترم، ریاست سازمان محیط زیست، سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی است که این هماهنگی‌ها در توان مدیران محترم شهرستان و استان است.

■ تعامل مدیریت شفارود با مسوولین شهرستانی در راستای حل مناقشات شرکت شفارود چگونه بوده است؟

ما در طول یکسال اخیر که مسوولیت خدمت در شفارود را بر عهده داشتیم همواره دست نیاز به سمت مسوولان شهرستانی استانی بلند کردیم که شرکت را به توسعه و رونق برسانیم و هیچگاه خود را در زاویه اختلاف با کسی قرار ندادیم از همین جا هم از تمام مسوولین شهرستان اگر ما را یاری کردند تشکر می کنیم.

احساس میکنم ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه شفارود در نزد مسوولین تا حدودی ناشناخته باقی مانده چرا که هر گاه صحبت از شرکت شفارود به میان می آید ذهن‌ها معطوف به سایت و مجتمعی در قسمتی از بخش پونل از توابع شهرستان رضوانشهر می‌شود در حالی که گستره جنگل های شفارود از نزدیکی آستارا تا تالش، رضوانشهر، ماسال، صومعه‌سرا و شفت بیانگر عظمت و پراهمیت بودن آن است قطعا می توان با یاری مسوولان شرکت را به نقطه امید جوانان منطقه تبدیل کرد.

یادداشت

به نام ایران به کام دشمنان

فرشاد نوروزپور

این روزها در آستانه سالگرد ناآرامی‌ها و دگرگونی‌های سیاسی و سریالی برخی کشورهای استبداد زده خاورمیانه و شمال افریقا که ظهور بیرونی آن از دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و بعضا تا امروز هم ادامه دارد هستیم. آتشی که از جان «بو عزیزی» سبزی‌فروش شعله گرفت خیلی زود به خرمن حکام مستبد عربی افتاد. در حدود پنج سال اخیر تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است از خیزش وسیع علیه حاکمان عربی نظیر سرهنگ قذافی و حمد بن‌عیسی که هرکدام چند دهه قدرت را در دست داشتند و می‌پنداشتند کشورشان در آرامش و تحت کنترل آنهاست و سرنوشتی متفاوت از آنچه رقم خورد را در سر می‌پروراندند که بررسی آن خارج از این مقال است اما آن‌چه به ما مردمان ایران، ابرقدرت و بازیگر اصلی منطقه مربوط می‌شود، تلاش عده‌ای است برای مبتلا کردن کشور به ویروسی که به گمان آن‌ها بتواند باثبات و امن‌ترین کشور خاورمیانه را از درون تضعیف کند.

زمستان سال ۸۹ و همزمان با اوج تحولات خاورمیانه، عبدالله گل رییس جمهور وقت ترکیه سفری به تهران داشت و به دنبال آن جریانی رسانه‌ای به راه افتاد که از پیشنهاد وی به مقامات ایران برای صدور مجوز راهپیمایی ۲۵ بهمن حکایت می‌کرد که بعدا از جهات مختلفی تکذیب شد. اما برای اهل فن پوشیده نبود که رویاپرداز میراث‌داری امپراطوری عثمانی به دنبال کدام ماهی از این آب گل‌آلود است.

چه شد که ترکیه دوباره سودای امپراطوری اسلامی را در سر پروراند؟ اینجاست که باید خواص بی‌بصیرت و محبان دنیا و پیمان‌شکنان را به چالش کشید.

چرا آنان که ادعای دوستی با امام و ارادتشان به آن پیر فرزانه گوش فلک را کر می‌کرد، سنگ محک حق و باطل را گم کردند. مگر نشنیده بودند که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. پس چرا نظام را تا لبه پرتگاه بردند. مگر نمی‌دانستند که معیار درستی اعمال و رفتار ما، موضع‌گیری دشمنان قسم‌خورده است. چرا چشمان خود را بر این واقعیت بستند. آمریکا که به تعبیر امام راحل شیطان بزرگ است، از جنبش سیاه سبز حمایت کرد. نخست وزیر رژیمی که هدف امام راحل، محو آن به عنوان غده سرطانی بود، دهانش را به تحسین و حمایت گشود. حال پس از چند سال، هر فرد آزاداندیشی می‌بیند که چه سفره‌ای پهن کرده‌اند این فتنه گران و سران فتنه و چه کسانی را بر سر این سفره نشاندند؛ منافقین، سلطنت‌طلبان، اپوزیسیون خارج نشین و ... باید پشتکار را از دشمنان خود یاد بگیریم که کمیته تشکیل می‌دهند و دور یک میز می‌نشینند و هدفشان هم یکی است و آن نابودی جمهوری اسلامی ایران.

در شرایطی که نفت در بودجه سال آینده ۷۲ دلار پیش بینی شده است ، در حالی که میانگین قیمت امروز آن ۴۸ دلار است و طبق پیش‌بینی ها سال آینده نهایتا به ۶۰ دلار می‌رسد و دست دولت هم برای افزایش حامل‌های انرژی به عنوان یک راه حل در این شرایط بسته است و ناچار باید به منظور تامین کسری بودجه از میزان سی هزار میلیارد تومن بودجه عمرانی بکاهد که مساوی با عدم اشتغال و پایین آمدن رشد اقتصادی است و در عین حال بلوکه ماندن پول‌های ایران و مساله مذاکرات هسته‌ای به عنوان یک راه حل برای جبران این وضعیت و عبور از بحران مطرح است و در واقع اولویت دولت مساله اقتصاد است. نگذاریم فتنه‌ای جدید شکل بگیرد. آیا معیشت مردم مهم است یا خواسته‌های سیاسی عده‌ای معدود. این سیاسیون برخورد پیامبر رحمت با عهدشکنان را در تاریخ بخوانند. به فرمایشات حضرت امیر در مقابل پیمان‌شکنان رجوع کنند. افراد در هر طیف سیاسی اعم از اصولگرا و اصلاح طلب با شناخت صحیح از نیازهای کشور و نگاه دلسوزانه به آینده آن و با در نظر گرفتن همه جوانب و مسائل داخلی کشور و خارجی منطقه و بین‌المللی تصمیم و موضع بگیرند.

آیا دغدغه حال نظام رفع حصر است یا این محاصره مردم ایران در شعب ابی‌طالب از سوی کفار جهان.

سیاسیون دقت کنند از این گذرگاه باید با بصیرت عبور کرد. حفظ نظام واجب است نه خواسته‌های شخصی و گروهی.

چرا امروز به جای تاکید بر خواسته‌های غیرمعقول و مطالباتی که صرفا نتیجه اش فاصله و جدایی بیشتر میان دلسوزان انقلاب و نظام است، با تلاش برای فعالیت در چارچوب نظام و قانون اساسی و به منظور جبران ظلمی که به نظام و کشور شد، از غبارآلود کردن فضا پرهیز نمی‌کنند و حتی به یک مرتبه عالی‌تر خراش‌های ناجوانمردانه بر چهره کشور را تیمار نمی‌کنند؟ غباری که بی شک در چشم مردم ایران خواهد رفت.